



کنایه چیست ؟ کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است . در اصطلاح ادبی منظور از کنایه عبارت یا جمله ای است که دارای دو معنی دور یا نزدیک باشد و هدف گوینده معنی دور آن باشد.

مثال : دهانش بوی شیر می دهد . (کنایه از اینکه هنوز کودک است)

• **مثال هایی برای (کنایه) از کتاب فارسی هفتم :**

- در پوستین خلق افتادن : کنایه از غیبت کردن
- فتاد از پای کرد از عجز فریاد : از پا افتادن کنایه از خسته شدن
- خون اندر آن خشک شده بود : کنایه از بی حس شدن
- گره از کار دیگران گشودن : کنایه از حل کردن مشکلات دیگران
- اگر چشم داری به دیگر سرای : چشم داشتن کنایه است از انتظار داشتن
- فرزندان پاره جگر ما هستند : پاره جگر کنایه از عزیز بودن
- آدم آهنی بادی در گلو انداخت : باد در گلو انداختن کنایه از با غرور و شجاعت سخن گفتن .
- کنون گر دست گیری جای آن هست : دست گرفتن کنایه از کمک کردن
- که گر دستم نگیری رفتم از دست : از دست رفتن کنایه از نابودی